

تحلیلی بر نامگذاری جغرافیایی بخش امامزاده (بادرود)

سعید صالحیان بادی^۱

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی تهران

تلفن: ۰۹۱۲۸۰۹۱۵۹۲ Email: saeid7s@yahoo.com

چکیده

فرهنگ نام در جغرافیا اهمیت فراوانی دارد. نام های جغرافیایی جزئی مهم از تاریخ، اساطیر، معتقدات و فرهنگ ملل عالم به حساب می آیند و در واقع اصل و منشایی کهن و معنای خاص دارند. نام ها، میراث فرهنگی و تاریخی ملل هستند و لازم است مورد توجه و حراست قرار گیرند. این میراث مهم در کشور ما مورد بی مهری قرار گرفته و گاهی دستخوش سلاقی شخصی و گروهی گردیده است. منشاء نام گذاری مکان ها دارای ریشه های طبیعی یا مسائل انسانی بوده است. در این مقاله روند نامگذاری محدوده اداری- سیاسی بخش امامزاده (بادرود) مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان تناسب نام گذاری آن با منطقه مورد مطالعه تحلیل شده است.

واژه های کلیدی: نام جغرافیایی، امامزاده، بادرود

۱- مقدمه

در خصوص اهمیت فرهنگ نام در جغرافیا سخن بسیار است. بشر از زمانی که با مکانی سروکار یافته لزوم شناسایی و نامگذاری مکان ها را دریافته است. اولین گام در لزوم نامگذاری مکان های جغرافیایی ارتباط انسان با آن مکان است، در غیر این صورت ممکن است سال ها بگذرد و مکانی بی نام بماند. نام گذاری بر مکان های مختلف بدان سبب است که مکان های گوناگون شناسایی شوند و از یک دیگر تمیز داده شوند.

درباره اهمیت نام در جغرافیا همین بس که بهترین تصاویر ماهواره ای که امروزه توسط ماهواره های پیشرفته در اختیار بشر قرار می گیرند و از مشکلات امر نقشه برداری زمینی می کاهند، تا زمانی که گویا نشده اند یعنی نام جغرافیایی بر آن نهاده نشده است، کاربردی نمی یابند و در حکم نوعی تابلو جلوه می نمایند و این اسامی جغرافیایی هستند که به مکان های مختلف هویت و شخصیت می دهند [۱]. بخشی از نام های جغرافیایی را اسامی آبادی ها (مسکون یا خالی از سکنه) تشکیل می دهند. در این خصوص که بر چه مبنایی اسامی مکان ها و کلا اسامی جغرافیایی انتخاب گردیده اند باید اذعان کرد که پژوهش در اسامی مکان های مختلف جغرافیایی، نیازمند بازگشت به پیشینه دیرینه مکان هاست. مسلماً همانند مکان های مختلف جغرافیایی، اسامی آنان نیز به مرور زمان دستخوش تحول و تغییر شده است و شاید بتوان گفت کمتر مکانی را می توان یافت که در طول اعصار مختلف به یک نام شناخته شده باشد [۲].

۲- منشا نام های جغرافیایی

نام های جغرافیایی اصل و منشایی کهن و معنایی خاص دارند. این نام ها توسط اشخاص مختلف در معرض تحول و تغییر قرار گرفته اند، گاه اراده یک زمامدار، که نامی را ناخوشایند یافته و گاهی خطا و اشتباه کاتبی در نگارش، اسمی پرمعنا و شناخته را به دست فراموشی سپرده است [۳]. اهمیت ذاتی و لزوم حراست از نام های جغرافیایی همچون یکی از موارد مهم ملی و فرهنگی، بر ارباب بصیرت و دانش پوشیده نیست. با این حال قدر این گنجینه گرانبها در بیشتر کشورهای جهان ناشناخته مانده است و در ایران نیز چنان که باید و شاید به این مهم در کلیه سطوح جامعه توجه لازم مبذول نمی شود.

هر گاه گروهی از دانشمندان و کارشناسان علوم و فنون گوناگون همراه با ادیبان و هنرمندانی به گردش و بررسی در ناحیه ای بپردازند، چه بسا کسانی از آنها از زیبایی طبیعت و ویژگی های گوناگون آن سخن بگویند اما کمتر احتمال دارد که کسی از آنها به یاد گنجی بیفتد که در درون نام های جغرافیایی نهفته است. این کم اعتنایی که ناشی از کم علاقه بودن به نیا، خاک و مردم و مرز و بوم نیست و معلول علل دیگری نیز است.

در این زمینه کثرت نام آبادی ها وجود نوعی طبقه بندی را ایجاب می کند. این طبقه بندی ممکن است بر اساس منشاء و وجه تسمیه آنان و یا بر پایه حروف الفبایی، دوره های تاریخی همچون قبل و پس از اسلام و یا بر اساس زبان و گویش های مختلف، از جمله فارسی، ترکی، لری و عربی باشد. از جمله ملاک هایی که انسان را به یافتن منشا طبیعی یا غیرطبیعی آبادی ها رهنمون می سازد، اسامی آنهاست. با نگاهی گذرا بر اسامی آبادیها می توان آنها را چنین طبقه بندی نمود:

الف) اسامی برخی آبادی ها منشا طبیعی دارند که خود به چند دسته تقسیم می شوند، از جمله اینکه نام آبادی ریشه در پستی و بلندی (میانکوه)، منابع آب (میان رود)، آب و هوا و شرایط جوی (گرم دره فریدونشهر)، پوشش گیاهی و رستنی ها (مرغزار) و ... دارند.

ب) اسامی آبادی هایی که وجه نامگذاری آنها مسائل انسانی است از جمله آبادی هایی که وجه نام گذاری آنها مسائل انسانی و یا ویژگی های جمعیتی است (شاهسون)، آبادی هایی که معنا و مفهومی نظامی دارد (قلعه کرشاهی) و یا مفهومی شخصی (علی آباد) دارد.

در این میان بخش قابل توجهی از اسامی آبادی های کشور برگرفته از ویژگی های مذهبی است. صرف نظر از معنا و مفهوم اسامی، می توان این بخش را به دو دسته تقسیم نمود:

۱- آبادی هایی که صرف نظر از زمان پیدایش و علل وجودی آنها در دوران اسلامی تغییر نام داده و یا القابی ویژه یافته اند.

۲- آبادی هایی که پس از ظهور اسلام بنا گردیده و از فرهنگ این آیین نشأت گرفته اند و اسامی آنها نیز برگرفته از القاب ویژه در فرهنگ اسلامی است، القابی همچون «زیارتگاه»، «امامزاده» و «قدمگاه» و ... همه نشانگر تاثیر انکار ناپذیر اسلام در نام و نشان مکان هاست [۴].

۳- امامزاده

در بین آبادی های عنوان یافته از فرهنگ اسلام، امامزاده رایج ترین لفظ آبادی های ایران می باشد. وجود مزار متبرکه امامزادگان و احفادشان که در سرتاسر ایران پراکنده اند، به وقایع تاریخ صدر اسلام و حداکثر به قرن سوم هجری برمی گردد. مهاجرت سادات حسنی و حسینی به نقاط گوناگون سرزمین های شرقی اسلامی از همان صدر اسلام و در حکومت امویان خاصه در عصر حجاج بن یوسف و زمان تسلط او بر «عراقین» از سوی امویان (۹۵-۷۵ ق) با همه بیداد گری ها و سفاکی هایش به فرزندان علی (ع) آغاز شده بود [۵]. به طور کلی برخی از آبادی های ایران به واسطه آن که مدفن این بزرگواران قرار گرفته اند، عنوان امامزاده دارند. این عنوان با قید پسوند حدود ۴۵ آبادی در کشور است [۶].

۴- بخش امامزاده (بادرود)

الف- ویژگی های جغرافیایی بخش بادرود (امامزاده)

بادرود از شمال به شهر کاشان و از جنوب به شهرهای نطنز و اصفهان، از جنوب شرق به اردستان و از شمال و شمال شرق به دشت کویر محدود شده است و تا مرکز استان اصفهان ۱۶۷ کیلومتر فاصله دارد.

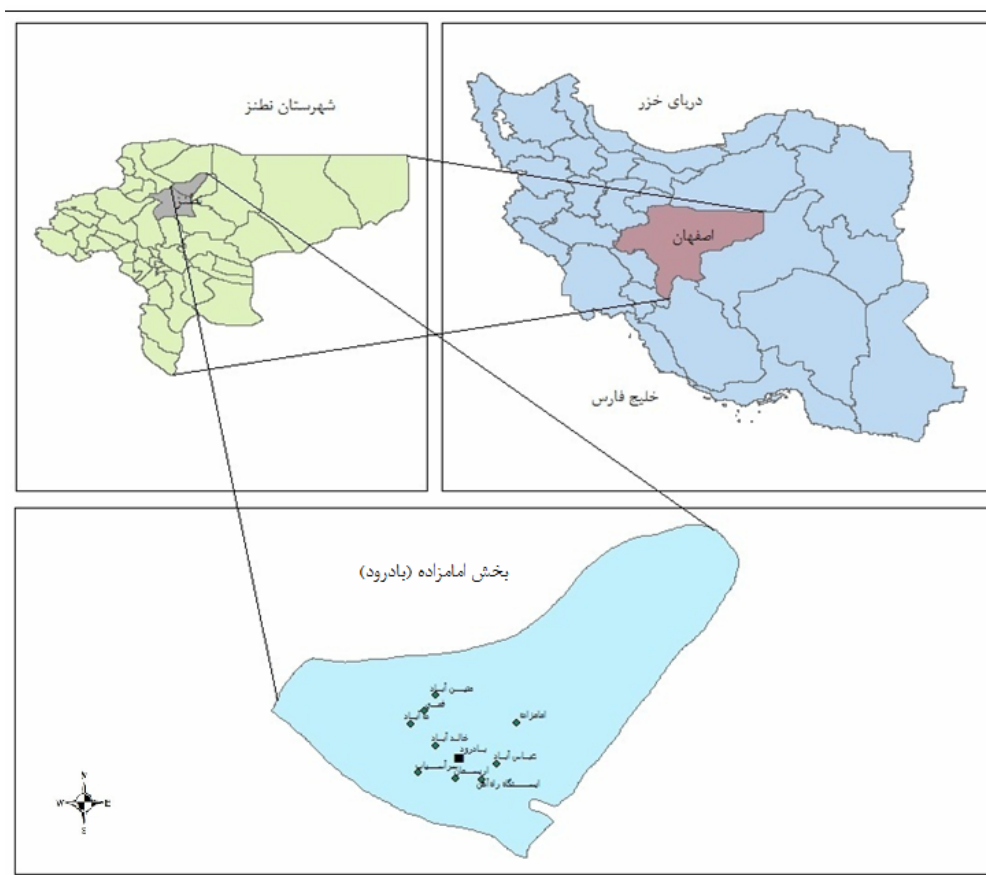
منطقه مورد بررسی بین ارتفاعات شمال شرق و جنوب غرب، در طول شرقی ۵۱ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۹ دقیقه و عرض شمالی ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۷ دقیقه قرار گرفته، که به تبعیت از موقعیت زمین شناسی منطقه از شمال غرب به جنوب شرق کشیده است [۷].

ارتفاع منطقه که شیب کمتر از یک درجه دارد بین ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ متر از سطح دریاست و دارای آب و هوای گرم و خشک بیابانی است. مقدار متوسط بارندگی سالانه محدوده نیز حدود ۱۱۰-۱۰۰ میلیمتر می باشد [۸].

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری (۱۳۸۵)، بخش بادرود (امامزاده) از ۲ دهستان به نام های خالد آباد و امامزاده آقاعلی عباس تشکیل شده و دارای ۲ شهر بادرود و خالد آباد و ۶ روستا به نام های اریسمان، ده آباد، فمی، متین آباد، عباس آباد و سرآسیاب می باشد.

طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ بخش بادرود دارای ۲۳۲۱۱ نفر جمعیت است که ۱۷۶۹۹ نفر (۷۶/۲ درصد) در شهر و ۵۵۱۲ نفر (۲۳/۷ درصد) در نقاط روستایی زندگی می کنند [۹].

نقشه ۱: محدوده و موقعیت عمومی بخش امامزاده (بادرود)



ب- پیشینه سکونت و استقرار جمعیت در بادرود

در یشت های اوستا، از کلمه باد به نام «وات» و «واد» یاد شده، در گویش امروزه مردم بادرود هم کلمه باد را به صورت «واد» تلفظ می کنند. در زبان سانسکریت، عنصر باد را پروردگار و ایزد مخصوص دانسته و اوست که نذورات را می پذیرد. دوت وایت هاوس در کتاب «نخستین شهری» از باد به عنوان یکی از چهارده شهر مهم دوران دودمان های اولیه ایران در ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد نام برده است. دیاکونوف در کتاب تاریخ ماد از حمله آشورناسیرپال (پادشاه آشور) به باد خبر داده است [۱۰].

از نشانه های فرهنگی قدمت منطقه می توان به گویش (زبان محلی) مردم منطقه اشاره کرد که خوشبختانه سالم مانده است. گویش بادرودی که به عقیده زبان شناسان جزء زبان های بکر ایران مرکزی محسوب میشود، ریشه در زبان

باستانی پهلوی اشکانی دارد و آنرا جزء شاخه های زبان راجی قدیم دانسته اند. این گویش البته در خالداًباد و سه روستای فمی، ده آباد و متین آباد با اندکی لهجه متفاوت ادا می شود.

اکتشافات «سایت اریسمان بادرود»، مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد، اولین زیستگاهی که در آن کارگاههای ذوب فلزات برقرار بوده است را نشان می دهد و این بزرگترین پشتوانه مدنیت این شهر و منطقه است [۱۱].

کهنسالان عقیده دارند که نام این محل، نخست شاه آباد بوده و به مرور به باد و سپس بادرود مشهور شده است، برخی نیز معتقدند نام نخستین آن بادافشان بوده است، در کتاب «تحفه الفقرا» صفالسلطنه آمده است: «قریه باد که اسم اصلی آن بادافشان است و از قراری که می گویند شهری بوده که چهار فرسخ طول و عرض داشته است» [۱۲]. از قدیمی ترین مأخذی که نام این مکان در آن یاد شده می توان به کتاب اعلای النفیس ابن رسته اصفهانی اشاره کرد که به سال ۲۹۰ ه.ق تالیف شده، در آن کتاب منازل بین جاده اصفهان تا ری و فواصل آنها را برشمرده است. بدین شرح که: از اصفهان تا برخوار، سه فرسخ، از برخوار تا رباط وز، هفت فرسخ، از رباط وز تا طرق، پنج فرسخ، از طرق تا اصفاهه، شش فرسخ، از اصفاهه تا دکان، پنج فرسخ، از دکان تا باد پنج فرسخ، از باد تا ابروز پنج فرسخ و

در کتاب «ترجمه محاسن اصفهان»^۱ در ذکر استادان متبحر در علم نحو و اعراب و فحول شعرای سخن منقح در باب متقدمان، از ابوعبدالله بادی، ابوعلی بادی و ابوحاتم محمد حسن بادی نام برده است [۱۳].

در کتاب مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ یاقوت حموی نیز از باد اینگونه یاد شده است: «باز من قری اصبهان و قیل من قری جرباذقان ینسب الیها الحسن بن سعد بن الحسن الفقیه الباذی مات بعد سنه ثلاث و ستمائه»؛ ترجمه «باد از آبادیهای اصفهان است و گفته شده از آبادی های گلپایگان است، حسن بن سعد بن حسن فقیه بادی که در سال ۶۰۳ ه.ق درگذشت منسوب بدانجاست [۱۴].

در کتاب نقاوة الآثار تالیف محمود بن هدایت الله افوشته ای از کشتار فجیع مردم باد توسط مرتضی قلی خان پُرناک اینگونه یاد شده است:

«... القصه خان عالی شأن را چون از هیچ جا تیر اراده به هدف مقصود نرسید، از این سبب کمال دماغ خشکی به هم رسانیده، اعراض بی نهایت بر طبیعتش مستولی گشته و بعد از آنکه بعضی از توابع کاشان را غارت کرده بود متوجه ولایت نطنز شد و بعضی از قریه و مزارع آنجا را خراب کرده مردم قریه باد، که از بلوک گرمسیر نطنز است از بیم آن سپاه به بوم کنی پناه جستند و بعضی از لشکریان پی به ایشان برده آن جماعت را از جهت حصول مال، تکلیف بیرون آمدن کردند و ایشان به توهّم آزارو کشتن از آن غار قبول بیرون آمدن نکردند، آخر الامر آن ظالم، چند کاه بسیار جمع آورده و در آنجا ریختند و آتش در آن زدند و موازی دویست نفر از پیر و جوان و اطفال و زنان در آن بوم کن، از کاه دود مردند.

بعد از آن خان عالمیکان به موضع موغار که از اعمال اردستان است عبور فرموده آن قریه را نیز دریافت و از آنجا به راه بیابان متوجه اَلْکاء خود شدند. چون یک منزل از سمنان گذشت، شبی قلنجی صعب کرده، اطبا را حاضر می ساختند اجل پیش دستی کرده بساط زندگانش در نوردید».

یادآور می شود که این اتفاق در زمان پادشاهی سلطان محمد پدر شاه عباس اول صفوی روی داده است.

در مجموعه ناصری^۲ نسخه خطی، در بخش جغرافیای اصفهان و نطنز از «باد» چنین یاد کرده است:

«باد که تا قصبه نطنز چهار فرسخ است عرض و طول اراضی آن دو فرسخ در دو فرسخ است». آب باد از رودخانه برز رود است؛ در حقیقت از دو رودخانه است یکی سمت برز رود و یکی در سمت چیمه رود، زیر قریه هنجن یکی می شود، قریب یک فرسخ زیر هنجن دو رشته قنات هم حفر شده که آب آن دو رشته قنات هم داخل رودخانه می شود و از هنجن تا باد چهار فرسخ است. تخمیناً باد، سیصد در خانه می شود. محصول شتوی جو شیرین و تریاک، صیفی جوزق (پنبه) و ماش و تنباکو. هوای آنجا گرمسیر که در فصل تابستان خیلی گرم می شود.

خریزه، گرمک، طالبی و هندوانه بهاره از کاشان زودتر می رسد. سر راه «دارالعباد یزد» و کرمان واقع است و امامزاده ای هست مشهور به علی عباس، مساحت آن تا باد دو فرسخ است. میان ریگ واقع شده، فرزند امام موسی کاظم (ع) بسیار با معجز و کرامت است که احدی جرأت آن ندارد که در امامزاده قسم یاد کند. بعضی کسان قسم خوردند، مال و جان آنها از بین رفت. برگ ابریشم هم دارد» [۱۵].

همان طور که مشاهده می شود از گذشته دور محدوده مورد بررسی به نام های «شاه آباد»، «باد افشان» و «باد» معروف بوده و و در عرف نیز منطقه به نام «باد» رایج بوده است و علی رغم وجود بارگاه مطهر امامزادگان (ع) و ارادت اهالی این مرز و بوم به ایشان، محدوده به مرکزیت «ده باد» معروف بوده است.

کوتاه سخن آنکه، بگذریم از آنچه تا امروز بر سر گنجینه گرانقدر نام های جغرافیایی ایرانی آمده است، چه در داخل مرزهای کنونی ایران و چه خارج از آن، پهلوان زنده را دریابیم؛ آنها را که از کشاکش های چند هزار ساله جان به در برده اند؛ آنها را که در حکم شناسنامه کشور ما از یک سو و پشتوانه مهم زبان های ایرانی از سوی دیگرند [۱۶].

۵- نتیجه گیری

نام محدوده مورد مطالعه در گذشته، در بیشتر متون تاریخی به «باد» شهرت داشته و روستاهای محدوده که امروزه به نام بخش امامزاده نامیده می شود به عنوان «دهات یا قصبات باد» شناخته می شدند و کل محدوده از گذشته به نام «باد» معروف بوده است. طی دهه های اخیر در تقسیم بندی دهستان های شهرستان نطنز و برای هم وزن شدن نامها، پسوند «رود» به نام مرکز دهستان اضافه شد و نام «باد» به «بادرود» تغییر نام داد و به مرور نام شهر نیز به «بادرود» تغییر پیدا کرد.

با توجه به اهمیت نام مکان و لزوم نگهداری از آن و از طرف دیگر احترام به خواست مردم در این زمینه و اینکه نام محدوده از گذشته تا به امروز به «باد» و «بادرود» در بین مردم رایج بوده است، نظر بر این است که نام گذاری محدوده به نام بخش امامزاده تناسبی با موارد ذکر شده ندارد و علی رغم احترام و جایگاه والای اماکن متبرکه و حرم مطهر امامزاده گان آقاعلی عباس و شاهزاده محمد (ع)، دلیلی بر تغییر نام محدوده بدون توجه به پیشینه تاریخی محدوده وجود ندارد.

در این زمینه و با توجه به موارد ذکر شده و لزوم احترام به نام مکان ها، پیشنهاد می گردد که نام محدوده به بخش بادرود تغییر پیدا کند.

۶- نتیجه گیری

با توجه به اینکه هویت هر مکان پیوند ناگسستنی با نام جغرافیایی آن مکان دارد، و اینکه نام هر مکان به مرور زمان و با توجه به ویژگی ها و روند تاریخی موجود شکل گرفته، دارای ارزش و شایسته توجه است و در واقع نام هر مکان نماینده تاریخ، فرهنگ و روابط موجود در آن مکان است و دارای ارزش جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی است و باید پاس داشته شود.

۷- پانویست

1- اصل این کتاب به زبان عربی و تالیف مفصل بن سعد بن حسین مافروخی اصفهانی (۴۶۵ تا ۴۸۵ ه.ق) و ترجمه اش به فارسی به قلم حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی در سال ۷۲۹ ه.ق است که در سال ۱۳۲۸ شمسی به اهتمام عباس اقبال آشتیانی به چاپ رسیده است.

۲- تالیف حسین بن محمد ابراهیم خان اصفهانی، مشهور به تحویلدار، سال ۱۲۹۴ ه.ق، نسخه خطی کتابخانه گلستان، صفحه ۶۵۰

مراجع

- ۱- گنجی، محمد حسن، *ملاحظات دربار نام در جغرافیا*، فصلنامه سپهر، شماره ششم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۸.
- ۲- میر محمدی، حمیدرضا، پژوهشی بر مکان های ملقب به مشهد در ایران، فصلنامه مشکوت، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۷۴، ص ۶۴.
- ۳- سهم نام های جغرافیایی در حفظ میراث فرهنگی، ۱۳۷۱، نامه فرهنگ، شماره ۷، ص ۱۳۷.
- ۴- محمدی، حمیدرضا، ۱۳۷۶، *تاثیر فرهنگ اسلامی بر نام آبادی های کشور*، مشکوت، شماره ۵۷-۵۶، ص ۲۲۳-۲۲۱.
- ۵- *مزارات ایران*، مشکوت ۴۳، ص ۸۲.
- ۶- پاپلی یزدی، محمد حسین، ۱۳۶۷، *فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۶۷.
- ۷- رهگشای، محمد، ۱۳۷۶، *مطالعه آب شناسی مناطق با آب و هوای خشک تحت تاثیر شرایط ناپایدار- مدل مطالعاتی منطقه حاشیه کویری بادرود*، تهران، دانشگاه امیر کبیر، دانشکده مهندسی معدن و متالورژی.

- ۸- صالحیان بادی، سعید و محمد رهگشای، ۱۳۹۰، نقش اکوتوریسم بیابانی در توسعه سکونتگاه های روستایی (مطالعه موردی اقامتگاه گردشگری متین آباد بادرود)، مشهد، همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، ص ۴.
- ۹- صالحیان بادی، سعید، ۱۳۹۰، تحول در شیوه های بهره برداری از منابع آب و جایگاه آن در توسعه اقتصاد کشاورزی روستاهای بخش بادرود (نطنز)، راهنما ضیاء توانا و منشی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۱۰- صولتیان، ذبیح اله، ۱۳۸۲، روزنامه همشهری.
- ۱۱- نقدی بادی، حسین (۱۳۸۵)؛ یادمان کویر بادرود، نشر دانش حامدون.
- ۱۲- اعظم واقفی، سید حسین، ۱۳۷۹، میراث فرهنگی نطنز (جلد سوم)، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱.
- ۱۳- مافروخی اصفهانی، مفصل بن سعد بن حسین (قرن پنجم)، ۱۳۲۸، «ترجمه محاسن اصفهان»، ترجمه حسین بن محمد بن ابی الرضا، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران. ص ۱۲۴.
- ۱۴- حموی، یاقوت، ۱۳۲۳ ه.ق، معجم البلد، تهران. ص ۳۱.
- ۱۵- اعظم واقفی، سید حسین، ۱۳۷۹، میراث فرهنگی نطنز (جلد سوم)، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۵-۱۲.
- ۱۶- سهم نام های جغرافیایی در حفظ میراث فرهنگی، ۱۳۷۱، نامه فرهنگ، شماره ۷. ص ۱۴۰.